فایل pdf پروپوزال برای نمونه است و کامل نیست
برای دانلود پروپوزال اصلی و کامل باید فایل ورد را خرید کنید.

دریافت فایل word این پروپوزال، کامل و قابل ویرایش به همراه منابع از اینجا

بررسی رابطه بین ابعادسه گانه شخصیتی عزت نفس،خودکنترلی وخودکارآمدی بامیزان خلاقیت دردبیران

مقدمه

دنیای امروز،دنیای سازمانهاست.درحقیقت سازمانها هستند که رکن اصلی اجتماع کنونی راتشکیل می دهند.دراین سازمانها دوعامل بسیارمهم وحیاتی وجود دارند :یکی مدیرت ،که مهمترین عامل درحیات،رشد،بالندگی ویامرگ سازمانی محسوب می شود،ودیگری انسانها،که گردانندگان اصلی هرنوع سازمانی می باشند.حیات سازمانها ،مستقیما به استفاده موثرازمنابع انسانی بستگی داردکه البته بدون انسان سازمان بی معنی ومدیریت امری موهوم است(حقیقی،رحیمی وهمکاران،۱۳۸۹).ازویژگیهای بارزانسان ومحورحیات او قدرت فکر واندیشه است.انسان درطول زندگی خویش هرگز فارغ ازتفکر واندیشه نبوده وبافکر صحیح توانسته به حل مسائل ومشکلات خویش پرداخته وبه رشد وتعالی نائل گردد.بنابراین تمام موفقیتها وپیشرفتهای انسانی درگرو اندیشه های بارور وپویا وموثراوبه خصوص تفکر خلاق است.توانایی تفکرخلاق نیزموهبتی الهی است که بالقوه درانسان به ودیعه نهاده شده است،اما ظهوروشکوفایی آن مستلزم پرورش است برای هرجامعه ای وجودافراد خلاق اهمیت زیادی دارد،زیرادرجوامع دردوره انتقال وتغییر نیاز مبرمی به راه حلهای خلاق برای مسائل حال وآینده خوددارند.(حسینی،۱۳۸۹ص۲۸۳).

عزت نفس،خودکنترلی وخودکارآمدی وخلاقیت ازمولفه های مهم شخصیتی افراد هستند که نقش مهم واساسی دررشد وپیشرفت وکارآیی افراد دارند.سازمانها ومحیط کار نیازمند اشخاصی است که بتوانند زمینه لازم جهت رشد وپیشرفت وبالابردن راندمان کاری رافراهم سازند.افرادباداشتن احساس ارزشمند بودن

،قدرت کنترل خود وموقعیت وتوانایی درانجام وظایف گوناگون وبکارگیری تواناییهای ذهنی برای ایجاد یک فکر یامفهوم جدید می توانند زمینه ساز تغییرات مناسب واثربخش درجهت رشد وبالندگی باشند.مدرسه ازجمله واحدهای سازمانی است که وجود دبیران خلاق ونوآوربرای پیشبرد اهداف سازمانی آنها ازاهمیت خاصی برخورداراست.لذابررسی عواملی که برخلاق ونوآور بودن آنها تاثیرداشته ازاهمیت مضاعفی برخورداراست.لذادراین مطالعه تلاش شده تارابطه بین ابعاد سه گانه شخصیت وخلاقیت درمورد دبیران مدارس متوسطه مورد مطالعه وبررسی قرار گیرد.

۲-۱.بیان مسئله پژوهش:

در حیطه روانشناسی شخصیت نظریه های گوناگونی مطرح شده است از جمله روان تحلیل گری فروید، پدیدارشناختی راجرز، رفتارگرایی اسکینر، رویکردشناختی جورج کلی و... که هرکدام شخصیت رااز منظری مورد توجه قرارداده اند.

با توجه به تفاوتهای فردی مفاهیم شخصیت نیز متفاوت می باشد. به طور کلی شخصیت را می توان به عنوان مجموعه ای از ویژگیهای نسبتا پایدار شناختی و بی همتا تعریف کرد که در موقیعتهای مختلف تغییر می کند. اغلب مردم شخصیت هر فرد را با رعایت عاملهایی مانند اصول اخلاقی سطح فهم اطلاعات آراستگی و ویژگیهای زیستی ،روانی وجسمی می سنجند.هویت اجتماعی وشخصیت هر فردی درجامعه به تدریج تکوین می یابد رشد می کند ودر طی زمان در محیط فرهنگی اجتماعی و زیستی تحقق می یابد.هر فردی در جریان عمل متقابل با دیگران دارای شخصیت می شود و عکس العملهای دیگران به نسبت کارهایی که فرد می کند پیوسته بر پرورش شخصیت اثر می گذارد.(شولتز۱۳۹۸).

تصورات ونگرشهای شخصی نقش زیادی در زندگی فرد دارند. این تصو رات می تواند مر بوط به مو قعیتهای درونی یا بیرونی با شد . تصو رات بر اساس باز خوردی که از نظر دیگران به دست می آید تشکیل شود. بنابرین شخص خوصیات خود را به گونه ای درک می کند که دیگران آن خصوصیا ت را به وی

نسبت می دهند .مثلا عزت نفس بر اثر انعکاس ارزیابی دیگران به وجود می آید و در شخص درونی می شود .خود یا خو یشتن کا نون ضمیر خود اگاهی فرد است آگاهی از خو یشتن دلالت بر خودپندار دارد و شناخت شامل هر نوع اگاهی نظر و باور نسبت به محیط فرد یا رفتار او می باشد .(کریتنر ۱۳۹۹)

عزت نفس قضاوت و رای شخص در رابطه با ارزش و لیاقت و قبول و پذیرش یا رد خود بوده که در نگرش فرد ظاهر میشود. عزت نفس نقش ممتازی در سلامت روانی و تعادل شخصیتی دارد. عزت نفس کم تعادل انسان را در زندگی مغشوش کرده و اثرات منفی بر کارایی یادگیری و خلاقیت انسان دارد. عزت نفس زندگی اجتماعی و ارزش ها را ایجاد، جامعه و شخص را کارا ساخته و نوعی پذیرش و قبول به شخص میدهد.

افرادی که کاملاً نسبت به توانایی خود اطمینان دارند به موفقیت خود کمک کرده و افرادی که فکرشان مشغول مساله شکست است باعث شکست خود می شوند.رابطه بین خوداثر بخشی و عمل کرد رابطی چرخشی است. چرخه اثر بخشی – عملکرد میتواندبه صورت مارپیچ روبه بالا درراستای موفقیت ویامارپیچ روبه پایان درجهت نیل به شکست باشد. افرادی که انتظار خود اثربخشی درآن ها پایین است تمایل به داشتن موفقیت های کمتری دارند. اثربخشی پایین باشرایطی که آن را(ناباوری آموخته شده) می نامند درارتباط است. ناباوری آموخته شده به معنای اعتقاد به ناتوانی کامل است بطوری که فردهیچ کنترلی بر محیط شخصی خود ندارد .(کریتنر،۱۳۸۹)